نزار قبانی شاعر سوریه

مزروری، محدثه

نزار قبانی در سال 1923م. در دمشق متولد شد. خانواده‏اش از طبقه متوسط جامعه و پدرش از مدافعین آزادی وطن بود که علیه اشغالگران فرانسوی مبارزه می‏کرد. وی در محضر اساتید بارز و شعرای نامدار تلمذ کرد و سرانجام در رشته حقوق لیسانس گرفت. نزار در سال 1945م. پا به دنیای سیاست نهاد، اما در سال 1966 آن‏را ترک گفت و در لبنان، موءسسه انتشاراتی دایر کرد. او در آغاز فعالیت ادبی خود، غزل را دست‏مایه کاری قرار داد و سپس شعر اجتماعی و سیاسی را نیز تجربه کرد.

زندگی ادبی شاعر

نزار قبانی در شکل و مضمون شعر معاصر عرب، تغییری مهم را ایجاد کرد و به‏همین سبب محافظه‏کاران بر او شوریدند و تهمت‏های مختلفی را به‏وی نسبت دادند. زن، موضوع اصلی شعر نزار قبانی است، به‏همین دلیل به «شاعر زن» لقب یافت.

نزار، ازنظر شکل و ساختار شعری ازجمله کسانی بود که قصیده عربی را از قید و بند قافیه آزاد کرد و او در بیشتر اشعارش، ابداع این سبک را پی‏گرفت، مثل این شعر:

ذات‏العینین السوداوین

ذات‏العینین الصاحیتین الممطرتین

لا اطلب ابداً من ربی

الا شیئین

أن أحفظ هاتین العینین

ویزید بأیامی یومین

کی أکتب شعراً

فی‏هاتین اللوءلوءتین

ترجمه:

او دارای دو چشم سیاه است

او دو چشم فریادگر بارانی دارد

فقط دو چیز را از خدایم می‏خواهم:

یکی اینکه این دو چشم زیبا را حفظ کند

و دوم اینکه دو روز بر عمرم بیفزاید

که شعری را دراین دو چشم شبیه لوءلوء بنویسم.

ازجهت محتوا و مضمون تقریباً همه اشعار نزار، برگرد عشق و محبت و موضوع زن می‏گردد.

مثل: الحب یا حبیبتی

قصیده جمیلة علی‏القمر

الحب مرسوم علی جمیع أوراق الشجر

الحب منقوش علی ریش العصافیروحبات المطر

ای معشوقه‏ام، عشق

قصیده‏ای زیبا نوشته شده بر ماه است

عشق بر تمام برگهای درختان نقاشی شده

و بر پرهای گنجشک‏ها و قطرات باران مکتوب شده

کلمات و الفاظ اشعارش به افکار عامه مردم بسیار نزدیک است. در دیوانش، کلمات و تعبیرات نامأنوس وجود ندارد. هرگاه اشعارش را می‏خوانی، به هیچ فرهنگ لغت و مترجمی احتیاج نداری و حتی لازم به دوباره‏خوانی نیست و معانی کاملاً واضح و آشکار است. من پنج مجموعه از اشعار نزار قبانی را مورد بررسی قرار دادم و نقطه‏نظرهایی را درمورد اشعار این مجموعه‏ها نوشتم. این مجموعه‏ها عبارتند از: «قالت لی السمراء» «سمرا به من گفت «کتاب‏الحب» «کتاب عشق»، «أحلی قصائدی» «شیرین‏ترین اشعارم»،«حبیبتی» «معشوقه‏ام» و«منشورات فدائیة علی جدران اسرائیل»، «اعلامیه‏های انقلابی بر دیوار اسراییل.

اولین مجموعه شعری نزار قبانی که در سال 1944م. منتشر شد، «قالت لی السمراء» بود. او در این مجموعه بر طریق قدما گام نهاده است و در این اشعارش وزن و قافیه، کاملاً رعایت شده است. مثل:

ترانی أحبک؟ لاأعلم

سوءال یحیط برالمبهم

و حارالجواب بحنجرتی

وجف النداء... و مات‏الغم

ترجمه:

آیا فکر می‏کنی دوستت دارم؟ نمی‏دانم

سوءال ابهام‏آلوده‏ای است

و جواب درگلویم سرگردان ماند

فریاد خشکید و... دهان باز ایستاد

ولی اشعار مجموعه‏های بعدی نزار، از قید وزن و قافیه رهاست. مثل:

علمنی حبک سیدتی

أسوأ عادات

علمنی أفتح فنجانی

فی‏اللیلة آلاف المرات

وأجرب طب‏العطارین

وأطرق باب‏العرافات

علمنی...أخرج من بیتی

وأطارد طیفک

حتی‏حتی

فی‏اوراق الاعلانات

ای محبوبه‏ام عشق تو

بدترین عادت‏ها را به من آموخت

به من آموخت که شبانه هزاران مرتبه فنجانم را بگشایم.

و داروی عطارها را امتحان کنم

و در خانه فالگیرها را بکوبم.

و به من آموخت که از خانه‏ام خارج شوم

و سایه تو را دنبال کنم... حتی در اعلامیه‏ها بیشتر تعبیرات شاعر در این مجموعه‏های شعری، مختص به خود اوست و در دیوان‏های شاعران دیگر یافت نمی‏شود. نزار در اشعارش تلاش می‏کند که بر شعر عرب جامه‏ای نو بپوشاند. موضوع عشق در این مجموعه‏ها چون عشق قدیم شعرای عرب نیست که شاعر بر آثار باقی‏مانده از معشوق می‏ایستاد و ناله و زاری سرمی‏داد، و اشعار عاشقانه ایشان گاهی به صد و اندی بیت می‏رسید، ولی نزار در قصائد خود ایجاز را به‏کار می‏برد و گاهی عواطف خود را با چند کلمه بیان می‏کند، چون وظیفه شعر، شرح و تفصیل نیست.

شاعر در مجموعه «منشورات فدائیة علی جدران اسرائیل» نرمی و لطافت را با شجاعت می‏آمیزد و با شیوه مخصوص خود، از ملت فلسطین دفاع می‏کند. مثل:

انتظروا دائماً

فی کل مالاینتظر

فنحن فی‏کل المطارات

و فی‏کل بطاقات السفر

نطلع من روما

و فی‏زوریخ

من تحت‏الحجر

نطلع من خلف التماثیل

وأحواض الزهر

رجالنا یأتون دون موعد

فی غضب‏الرعد و زخات المطر

همیشه منتظر باشید

از جایی که انتظار ندارید [به‏سوی شما می‏آییم‏قدس سره

ما در همه فرودگاه‏ها هستیم

و در همه بلیطهای سفر

و از روم و زوریخ سربرمی‏آوریم

و از زیر سنگ

و از پشت مجسمه‏ها

و از کرت‏های گیاهان

و مردان ما بی‏وقت و ناگهان می‏آیند

از غرش رعد و بارش شدید باران‏ها

چند تعبیر و ترکیب مختص به نزار در اشعارش:

ما دمت یا عصفورتی الخضراء

حبیبتی

حین‏أنا سقطت فی‏الحب

تغیرت

تغیرت مملکة الرب

صارالدجی ینام فی‏معطفی

و تشرق‏الشمس من‏الغرب

ای گنجشک سبز من

پیوسته تو معشوقه‏ام هستی

هنگامی‏که من در ورطه عشق تو افتادم

تغییر کردم

و کشور پروردگار تغییر کرد

تاریکی در پالتوی من پنهان شد

و خورشید از غرب طلوع کرد

تعبیرات «صارالدجی ینام فی‏معطفی» و «تشرق‏الشمس من‏الغرب» مختص به شاعر است.

و همچنین این شعر:

الشمس فتحت نوافذها

و ترکت هنالک مرساتی

و قطعت بحاراً... بحاراً

أنبش أعماق الموجات

أبحث فی‏جوف الصدفات

عن حرف کالقمرالأخضر

أهدیه لعینی مولاتی

پنجره‏های خورشید را بازکردم

و لنگرگاه‏ام را اینجا برای تو جا گذاشتم

دریا... دریا راه پیمودم

و عمق موج‏ها را گشتم

و دل صدف‏ها را جست‏وجو کردم

در جست‏وجوی کلامی چون ماه سبز

که آن‏را به چشمان معشوقه‏ام هدیه کنم.

منابع:

شکیب، محمود، تطور الأدب العربی المعاصر، ص275، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، 1376

قبانی، نزار، أحلی قصائدی، 1975.

قبانی، نزار، قالت لی‏السمراء، 1975.

قبانی، نزار، حبیبتی، 1975.

قبانی، نزار، کتاب الحب، 1975.

قبانی، نزار، منشورات خدائیة علی‏جدران اسرائیل، 1975.